

## اثرات متقابل دیپلماسی حمایت و سیاست بین‌الملل در آفریقا

مرتضی ابوطالبی\*

### چکیده

سالمات کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه با اهداف مختلف و به روشهای گوناگون کمکهایی را به کشورهای کمتر توسعه یافته یا فقیر اختصاص داده‌اند. مطالعات حاکی از آنست که کمک‌کنندگان عموماً در راستای و هماهنگ با سیاست خارجی خود اقدام به اعطای کمک نموده‌اند و به عبارت روشنتر کمکها به مثابه حلقه‌ای از حلقات سیاست خارجی آنها بوده است. حتی اعطای کمک به شکل بین‌المللی نیز از این قاعده کلی مستثنی نبوده و اعضای نهادها و سازمانهای بین‌المللی نیز ابتدا با هدف‌گذاری در سیاست خارجی خود و سپس در چارچوبی بین‌المللی که همانا بخشی از سیاست بین‌الملل می‌باشد اقدام به اعطای کمک نموده‌اند.

واژگان کلیدی: دیپلماسی، کشورهای در حال توسعه، توسعه نیافتگی، کمک، آفریقا

---

\* محقق و پژوهشگر اقتصادی و مسائل بین‌المللی.

## مقدمه

موضوع اعطای کمک به کشورهای آفریقایی خصوصاً کشورهای واقع در زیر خط صحرا در آفریقا (Sub-Saharan Africa) طی چند دهه اخیر از جمله موضوعاتی بوده که تحلیلگران اقتصاد سیاسی بین‌الملل درباره آن همواره با نگرانی به اظهار نظر پرداخته‌اند. نگرانی از اینکه شاهدیم کشورهای فقیر آفریقایی با دریافت کمک همچنان در زمره بخش کمتر توسعه یافته جهان به حساب می‌آیند. پی بردن به چرایی این موضوع منتهی به انجام بحث‌های مختلف و یا نگارش کتب و مقالات تحلیلی گردیده که البته هر یک از دریچه‌های خاص به موضوع نگاه نموده‌اند.

به منظور آگاهی از اهداف و روش‌های بکار گرفته شده توسط کمک‌کنندگان خارجی و بین‌المللی به کشورهای آفریقایی کوشیده‌ایم تا در این مقاله ابتدا با اشاره به برخی یا بخش‌هایی از کمک‌های صورت گرفته به آفریقا، تصویری کمی از موضوع مورد بحث را ارائه نموده و سپس با توضیح در مورد وضعیت فعلی توسعه در کشورهای مذکور، تردید در مورد تأثیر و کارایی کمکها را تشریح کرده تا زمینه لازم برای پرداختن به بخش پایانی مقاله یعنی کشف‌انگیزه‌ها و نیت کمک‌کنندگان فراهم آید. به عبارت روشنتر عمده تأکید نگارنده در بخش سوم یا پایانی پی بردن به اثرات متقابل دیپلماسی حمایت و سیاست بین‌الملل در آفریقا می‌باشد که عنوان اصلی مقاله حاضر را دربرمی‌گیرد.

نکته قابل ذکر اینکه در روابط میان کشورهای آفریقایی زیر خط صحرا با دیگران همواره آفریقاییها به عنوان طرف ضعیف اینگونه روابط شناخته شده‌اند و لذا به طور طبیعی شکل‌گیری و تداوم روابط بستگی تام به طرف قویتر دارد که این دومی، فرد را در چارچوب آمادگی برای پذیرش یا پرداخت هزینه‌های توسعه و گسترش روابط با آفریقا نشان می‌دهد. نتیجه منطقی حاصل از ذکر این نکته مقدماتی اینست که در واقع

طرف افریقایی در طول چند دهه اخیر (و عموماً در حال حاضر) توانایی لازم برای تأثیرگذاری و یا کنترل و تنظیم روابط با طرف مقابل را نداشته و همواره در مسیری حرکت نموده که لزوماً تأمین‌کننده منافع‌اش نبوده است. متقابلاً باید گفت طرف قویتر نیز با آگاهی از اینکه طرف افریقایی توان پرداخت هزینه حفظ و تداوم روابط فی‌ما بین را ندارد همواره و اجباراً در مسیری قرار گرفته که چاره‌ای جز پرداخت هزینه مذکور را نداشته است. نظریه پردازان اقتصاد سیاسی بین‌الملل با توجه به همین مشخصه و نکته محوری در تئوری همکاری در روابط بین‌الملل کوشیده‌اند تفسیر مناسبی از روابط میان افریقای زیر خط صحرا با دیگران را ارائه نمایند<sup>۱</sup>. نگارنده نیز با عنایت به ظرف نظری یاد شده حلقه‌های مختلف بحث در این مقاله را به یکدیگر پیوند داده است. هر چند ممکن است در جزئیات موضوع نقطه نظرات خاص نگارنده متفاوت از دیگر تحلیلگران باشد و یا تکمیل‌کننده و توضیح‌دهنده ابهامات موجود در این بحث و ارائه پیشنهاداتی برای رفع آنهاست. بهر حال شکی نیست که بهره‌گیری از دستاوردهای علمی و نظری متفکرین اقتصاد سیاسی بین‌الملل در این راستا بسیار راهگشاست و عدم توجه به استفاده از ظرف نظری در اینگونه مباحث بطور یقین امکان دستیابی به نتایج درست و دقیق را با مشکل مواجه می‌سازد.

### بخش اول: نمونه‌ای از کمک‌های اعطایی به آفریقا

#### الف- کمک‌های استراتژیک و امنیتی

بخش قابل توجهی از کمک‌های خارجی به آفریقا خصوصاً در دوره جنگ سرد و رقابتهای میان دو ابرقدرت شرق و غرب به موضوعات استراتژیک و امنیتی اختصاص داشت. این در حالیست که پس از دوره مذکور نیز کمک‌های یاد شده در اشکال جدید ادامه یافته و

نقش هر یک از طرفین کمک کننده و گیرنده متحول گردیده است. شایان ذکر اینکه سازمان ملل متحد نیز همواره در دو برهه مذکور نقش آفرینی کرد و تلاش این سازمان در مسائل استراتژیک و امنیتی آفریقا خصوصاً در قالب نیروهای حافظ صلح به چشم می‌خورد. بطوری که از سال ۱۹۶۰ تا سال ۲۰۰۸ تعداد ۲۵ گروه حافظ صلح ملل متحد در آفریقا مأموریت یافته‌اند که تاکنون مأموریت ۱۸ گروه به پایان رسیده و ۷ گروه همچنان در آفریقا حضور دارند.<sup>۲</sup>

ارسال تجهیزات و تسلیحات نظامی در دوره جنگ سرد به کشورهای آفریقایی به صورت دوجانبه و تغییر رویکرد کمک کنندگان پس از جنگ سرد به صورت مشارکت دادن مستقیم آفریقائیه‌ها در مباحث و مسائل استراتژیک و امنیتی قاره سیاه وجه غالب اعطای کمک در زمینه‌های مذکور بوده و می‌باشد. بطوریکه در اجلاس سال ۲۰۰۴ اتحادیه آفریقا در آدیس آبابا کشورهای عضو اتحادیه طرحی استراتژیک را برای کاهش جنگ و درگیری در نقاط مختلف این قاره تصویب نمودند. براساس برآورد انجام شده هزینه اجرای طرح مذکور حدود ۱/۷ میلیارد دلار در نظر گرفته شد.<sup>۳</sup> در همین اجلاس با توجه به عدم توانایی آفریقائیه‌ها برای تأمین هزینه طرح، مقرر گردید مذاکراتی برای جذب منابع مالی لازم با کشورهای خارج از آفریقا و سازمانهای بین‌المللی صورت پذیرد. در این میان ایالات متحده آمریکا با ارائه طرحی آمادگی خود را برای آموزش ۷۵ هزار نیروی محافظ صلح آفریقایی تا سال ۲۰۱۰ اعلام داشته و دولت وقت آمریکا بودجه‌ای به میزان ۶۶۰ میلیون دلار جهت اجرای طرح از کنگره درخواست نمود که به تصویب رسید.<sup>۴</sup> در ماه آوریل همان سال (۲۰۰۴) اتحادیه اروپایی بودجه‌ای به میزان ۲۵۰ میلیون دلار برای اجرای عملیات حفاظت از صلح در آفریقا اختصاص داد.<sup>۵</sup>

- شایان ذکر اینکه اتحادیه آفریقا در سالهای اخیر طرح نیروهای آماده برای عملیات را که شامل ۵ لشکر منطقه‌ای می‌باشد به شکل زیر تصویب نموده است:<sup>۶</sup>
- ۱- به منظور ارائه توصیه‌های نظامی و امنیتی در مناطق مختلف آفریقا.
  - ۲- اعزام هیئتهای ناظر منطقه‌ای با همکاری سازمان ملل متحد.
  - ۳- اعزام هیئتهای مستقل ناظر منطقه‌ای اتحادیه آفریقا.
  - ۴- اعزام نیروهای حافظ صلح اتحادیه آفریقا.
  - ۵- اعزام نیروهای نظامی مداخله کننده اتحادیه آفریقا در شرایط وقوع قتل عام و نسل‌کشی.

نکته قابل ذکر اینکه، اتحادیه اروپایی در راستای نیل به اهدافی مشابه در هزاره جدید طرحهای متعدد مطالعاتی را با همکاری اتحادیه آفریقا و سایر اتحادیه‌های منطقه‌ای در آفریقا در دستور کار خود قرار داده که همگی در چارچوب شناسایی راههای جلوگیری از کشمکش و درگیری در نقاط مختلف قاره سیاه توسط صندوق توسعه اروپا (European Development Fund) تأمین مالی شده‌اند. بعنوان مثال اروپا با همکاری اتحادیه کومسا و ایگاد پروژه مطالعاتی را در نظر گرفت که حدود ۲۲۳ میلیون یورو هزینه در برداشته، همچنین با همکاری اتحادیه اکوآس طرحی مطالعاتی با هزینه ۲۳۵ میلیون یورو برای شناسایی راههای جلوگیری از جنگ و درگیری در غرب آفریقا و طرحی با هزینه ۵۵ میلیون یورو با همکاری جامعه اقتصادی کشورهای واقع در مرکز آفریقا (اکاس) ارائه نمود.<sup>۷</sup> ژاپن نیز در راستای مسائل استراتژیک و امنیتی در سالهای اخیر کمک به تشکیل مرکز ضد تروریسم توسط اتحادیه آفریقا و تأمین مالی مربوطه توسط ژاپن نموده است.<sup>۸</sup>

## ب- کمکهای اجتماعی و فرهنگی

کمک کنندگان خارجی و بین‌المللی طرحهای متعدد بهداشتی، آموزشی، اسکان آوارگان، بازگشت مهاجران و پناهندگان و غیره را ارائه و تأمین مالی نموده‌اند. به منظور آشنایی با گوشه‌ای از کمکهای مذکور به بیان نمونه‌هایی از آنها به شرح زیر می‌پردازیم:

۱- امریکا سالانه از درمان حدود ۱/۷ میلیون نفر بیمار در آفریقا در چارچوب برنامه مبارزه با امراض سل، مالاریا و ایدز حمایت می‌نماید. بطوری که این کشور در سال ۲۰۰۵ طرح کمک ابتکاری ۵ ساله با اختصاص بودجه ۱/۲ میلیارد دلاری برای مبارزه با مالاریا در ۱۵ کشور آفریقایی را ارائه نمود.<sup>۱۰</sup> همچنین ایالات متحده امریکا برنامه‌ای ۵ ساله برای مبارزه با بیماری ایدز در آفریقا در سال ۲۰۰۴ در نظر گرفت که هزینه آن را حدود ۱۵ میلیارد دلار برآورد نموده است.<sup>۱۰</sup>

۲- گروه ۸ کشور صنعتی در تابستان سال ۲۰۰۸ کمک ۶۰ میلیارد دلاری برای اجرای یک برنامه ۵ ساله مبارزه با انواع بیماری در قاره آفریقا را در نظر گرفت.<sup>۱۱</sup>

۳- در اجلاس آفریقا و چین در پکن در سال ۲۰۰۶ مقرر گردید چین صندوقی برای تأمین هزینه‌های احداث مدرسه و بیمارستان تأسیس نماید و همچنین با کمک چین ۱۵ هزار نفر از صاحبان مشاغل در آفریقا تحت آموزشهای فنی و حرفه‌ای قرار گیرند.<sup>۱۲</sup>

۴- ژاپن نیز طرحی تحت عنوان ابتکار توسعه و بهداشت (Health and Development Initiative) برای کمک به آفریقا در نظر گرفته که طی ۵ سال از سال ۲۰۰۶ به مرحله اجرا گذاشته شده و هزینه ۵ میلیارد دلاری را در بردارد.<sup>۱۳</sup>

۵- بانک جهانی اعلام نموده در چارچوب اهداف توسعه‌ای هزاره ملل متحد برای توسعه آموزش ابتدایی، تعداد ۳۶ کشور آفریقایی تحت حمایت صندوق آموزش جهانی قرار

گرفته‌اند. در همین راستا صندوق مذکور مبلغ ۲۳۳ میلیون دلار کمک در اختیار کشورهای مذکور قرار داده است.<sup>۱۴</sup>

۶- دولتهای نروژ، سوئد و آلمان نیز در سالهای اخیر کمکهای قابل توجهی را در زمینه‌های مختلف اجتماعی در اختیار کشورهای آفریقایی قرار داده‌اند که عموماً در چارچوب برگزاری کارگاههای آموزشی برای بازرگانان آفریقایی برای آشنایی با بازارهای خارجی، قوانین و مقررات بین‌المللی تجاری و همچنین آشنایی با عملکرد سازمانها و مجامع بین‌المللی همچون سازمان تجارت جهانی (WTO) بوده است. دیگر کشورهای اروپایی نیز در زمینه‌های مشابه هر روزه کمکهایی را به آفریقا اختصاص می‌دهند.<sup>۱۵</sup>

### ج- کمکهای اقتصادی و توسعه‌ای

ارائه کمکهای اقتصادی و توسعه‌ای به آفریقا به اشکال مختلف دو یا چند جانبه بسیار مرسوم می‌باشدز نمونه‌ای از کمکهای مذکور به شرح زیر قابل ذکر می‌باشند:

۱- صندوق بین‌المللی پول از جمله وظایف اصلی خرد را ارائه کمکهای فنی ( Technical Assistance) معرفی نموده است. در این راستا صندوق یاد شده معتقد است که با ارائه کمکهای فنی به دنبال اصلاح اقتصاد کلان کشورهای آفریقایی، تقویت بنیانهای مالی و یا بازسازی اقتصاد کشورهای رهایی یافته از جنگ خارجی یا داخلی می‌باشد.<sup>۱۶</sup>

۲- ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۰ قانون فرصت و رشد آفریقایی (AGOA) را تصویب و به مرحله اجرا درآورد. اعتبار قانون مذکور تا سال ۲۰۱۵ خواهد بود که هدف آن افزایش حضور کشورهای آفریقایی زیر خط صحرا در بازار جهانی ذکر شده

است. هم اکنون ۴۰ کشور آفریقایی در منطقه مذکور از مزایای قانون یاد شده برخوردار می‌باشند. در چارچوب این قانون آمریکا در فاصله سالهای ۷-۲۰۰۱ حدود ۱/۶ میلیارد دلار در راستای ظرفیت‌سازی تجاری در منطقه مذکور هزینه نموده است. آفریقاییهای صادر کننده کالا به بازار آمریکا در چارچوب این قانون برخوردار از معافیت محدودیت واردات و حقوق و عوارض گمرکی صفر می‌باشند. دولت آمریکا معتقد است در نتیجه اجرای این قانون طی سالهای ۷-۲۰۰۱ صادرات کشورهای آفریقایی زیر خط صحرا حدود ۳ برابر نسبت به سالهای قبل گردیده و به رقم ۶۷/۴ میلیارد در سال ۲۰۰۷ رسیده است. همچنین در سال ۲۰۰۶ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آمریکا در کشورهای یاد شده تحت حمایت قانون مذکور به رقم ۱۳/۸ میلیارد دلار بالغ گردیده که این رقم حدود ۵ برابر رقم مربوط به سال ۲۰۰۱ می‌باشد.<sup>۱۷</sup>

۳- چین در اجلاس مشترک با سران آفریقا در سال ۲۰۰۶ اعلام نمود که طی ۳ سال آینده کمکهای اقتصادی و توسعه‌ای خود به آفریقا را به ۲ برابر افزایش می‌دهد و در این راستا مبلغ ۵ میلیارد دلار اعتبار در اختیار آفریقاییها قرار می‌دهد.<sup>۱۸</sup>

۴- اتحادیه اروپایی نیز در سالهای اخیر با تصویب طرح ابتکار همه چیز بجز تسلیحات (EAI) کوشیده است تا درب بازارهای خود را به روی کالاهای آفریقایی بدون در نظر گرفتن هر گونه محدودیت یا هزینه اضافی بگشاید.<sup>۱۹</sup> اروپائیها در چارچوب روابط با سه منطقه آفریقا، کارائیب و پاسیفیک (ACP) طی قراردادی در سال ۲۰۰۰ برای دسترسی آزاد کشورهای مذکور به بازار اروپا به مدت ۲۰ سال برنامه‌ریزی نمودند. اروپا معتقد است تحت مزایای مربوط به این قرارداد تنها طی یکسال تجارت میان



اروپا و سه منطقه یاد شده حدود ۷ درصد رشد یافته و از رقم ۵۵ میلیارد یورو در سال ۲۰۰۰ به رقم ۵۸/۶ میلیارد یورو در سال ۲۰۰۱ افزایش یافته است.<sup>۲۰</sup>

۵- ژاپن نیز طی ابتکاری موافقت نموده تا کشورهای کمتر توسعه یافته در آفریقا بدون پرداخت هرگونه تعرفه و حقوق گمرکی و یا محدودیت کمی دسترسی آزاد به بازار ژاپن داشته باشند.<sup>۲۱</sup> همچنین وزارت امور خارجه ژاپن همکاری این کشور با طرح نپاد را در چهار زمینه زیرساختها، کشاورزی، سرمایه‌گذاری و توسعه منابع انسانی اعلام نموده که هزینه‌های مربوطه از بودجه طرح کمکهای توسعه‌ای ژاپن به دیگر کشورها تأمین می‌گردد.<sup>۲۲</sup> شایان ذکر اینکه براساس طرح نپاد کشورهای افریقایی تلاش می‌نمایند تا نهادهای بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را متقاعد نموده تا برنامه‌های اصلاحات اقتصادی، وامها و کمکهای توسعه‌ای آنها در آفریقا با مشورت افریقائیها اجرا گردد.

۶- بانک توسعه افریقایی متعهد شده سالانه مبلغ ۳ میلیارد دلار کمک توسعه‌ای در اختیار کشورهای افریقایی قرار دهد. عموم اینگونه کمکها در پروژه‌های مربوط به طرح نپاد، طرحهای زیربنایی و برنامه‌های کاهش فقر مصرف می‌گردند.<sup>۲۳</sup>

۷- صندوق بین‌المللی پول در چارچوب طرح HIPC کوشیده است نسبت به بخشش بدهیهای بین‌المللی کشورهای کمتر توسعه یافته افریقایی گامهایی را بردارد. این طرح در هماهنگی با طرح دیگر صندوق برای کاهش فقر در آفریقا یعنی طرح PRGF مزایا و امتیازاتی را برای کشورهای فقیر افریقایی که توصیه‌های صندوق را در ارتباط با اصلاحات اقتصادی رعایت نموده‌اند، در نظر می‌گیرد. شایان ذکر اینکه مشاور دبیر کل سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۴ ضمن حضور در اجلاس اتحادیه آفریقا اعلام نمود افریقائیها قادر به پرداخت بدهیهای خود نیستند و لذا وزرای دارائی کشورهای عضو گروه ۸ کشور صنعتی در اجلاس خود در آن سال موضوع تعویق

بازپرداخت بدهیهای کشورهای تحت پوشش طرح HIPC برای مدتی طولانی تر را مورد موافقت قرار دادند.<sup>۲۴</sup> ناگفته نماند که رقم مربوط به بدهیهای خارجی و بین‌المللی آفریقا در منابع مختلف به صورتهای متفاوت بیان شده است. ارقامی مابین ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار بدهی که البته صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۰۷ نسبت میان بدهیهای مذکور به تولید ناخالص داخلی آفریقا را حدود ۲۵/۵ درصد اعلام نموده است. در همین حال صندوق مذکور معتقد است بازپرداخت بدهیهای یاد شده توسط آفریقائیه‌ها در همان سال تنها در حدود ۳ درصد GDP صورت گرفته است.

### بخش دوم: وضعیت فعلی رشد و توسعه در آفریقا

هر چند طی چند دهه اخیر کمکهای خارجی و بین‌المللی به آفریقا در برخی منابع جهانی آمار تا رقمی بیش از ۲/۳ تریلیون دلار ذکر شده اما وضعیت فعلی رشد و توسعه در آفریقا خصوصاً در کشورهای واقع در زیر خط صحرا حاکی از توسعه نیافتگی، فقر و پائین بودن شاخصهای رفاه عمومی می‌باشد. به منظور آشنایی بیشتر با وضعیت یاد شده ضروریست اشاره‌ای به برخی از شاخصهای رشد و توسعه در منطقه مورد نظر داشته و سپس گوشه‌ای از ابعاد موضوع را از دیدگاه متخصصان توسعه بیان نمائیم.

### الف - نمونه‌ای از شاخصهای رشد و توسعه در آفریقا

براساس آخرین آمار منتشره از سوی نهادهای بین‌المللی برخی از شاخصهای رشد و توسعه در آفریقا به طور عمومی و در کشورهای زیر خط صحرا به صورت خاص دارای وضعیت زیر می‌باشند:<sup>۲۵</sup>

۱- جمعیت کل قاره آفریقا (شامل ۵۴ کشور) در سال ۲۰۰۶ حدود ۹۲۲ میلیون نفر برآورد گردیده که حدود ۷۷۰ میلیون نفر از این جمعیت در کشورهای زیر خط

صحرا (شامل ۴۲ کشور) زندگی می‌کنند. نرخ رشد جمعیت در دهه‌های اخیر در اینگونه کشورها به طور متوسط بیش از ۳ درصد بوده و در حالی که در سال ۱۹۵۰ جمعیت آفریقا حدود ۸/۸ درصد جمعیت جهان و در سال ۲۰۰۰ حدود ۱۳ درصد جمعیت جهان بوده در سال ۲۰۵۰ پیش‌بینی می‌شود حدود ۲۰ درصد و در سال ۲۱۰۰ حدود ۲۵ درصد جمعیت جهان را آفریقا به خود اختصاص خواهد داد.

۲- در سال ۲۰۰۷ تولید ناخالص داخلی آفریقا براساس شاخص برابری قدرت خرید حدود ۲/۵۷۲ تریلیون دلار بوده که به صورت سرانه حاکی از رقمی در حدود ۲۹۷۵ دلار می‌باشد. نرخ متوسط رشد تولید ناخالص داخلی سرانه طی سالهای ۲۰۰۴-۶ حدود ۵/۱۶ درصد بوده که حدود ۴۰ درصد جمعیت فعلی آفریقا با درآمد روزانه تقریبی یک دلار زندگی می‌کنند.

۳- میزان تجارت خارجی آفریقا در سال ۲۰۰۷ حدود ۷۰۰ میلیارد دلار بوده که حدود ۴۸۰ میلیارد دلار از رقم مذکور به آفریقای سیاه اختصاص داشته است. کشورهای واقع در زیر خط صحرا در همین سال در بخش صادرات جهانی رقمی در حدود ۱/۸ درصد و در بخش واردات جهانی رقمی در حدود ۱/۹ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. این در حالیست که آفریقاییها در سال ۲۰۰۵ حدود ۱۴ درصد از نفت خام صادراتی جهان را در بخش صادرات خود ثبت نموده‌اند. ناگفته نماند که در سال مذکور حدود ۱۰/۲ درصد ذخایر شناخته شده نفت خام جهان و حدود ۷/۹ درصد ذخایر شناخته شده گاز طبیعی جهان در آفریقا وجود داشته و تولید روزانه نفت خام آفریقا بالغ بر ۸/۸ میلیون بشکه در روز بوده است. در حالی که نیجریه و همسایگانش به همراه لیبی مهمترین صادرکنندگان نفت خام آفریقایی به حساب می‌آیند ذخایر عظیم مواد معدنی باارزش همچون طلا، الماس و مس در کشورهای

جنوبی آفریقا وجود داشته و تولید می‌گردند. اما عموم کشورهای فقیر آفریقایی به تولید و صادرات محصولات کشاورزی همچون قهوه، پنبه، کاکائو و کائوچو اشتغال دارند. لذا در این‌گونه کشورها حدود ۶۰ درصد نیروی کار در بخش کشاورزی مشغول به کار می‌باشند و تنها حدود ۱۵ درصد از نیروی کار به انجام کار در بخش صنعت مشغولند.

۴- شاخص توسعه انسانی یا رفاه عمومی (شامل مواردی همچون فقر، درآمد، امید به زندگی، سواد و بهداشت) در کشورهای زیر خط صحرا در آفریقا طی سالهای ۲۰۰۵-۱۹۹۰ تنها حدود ۲٪ تا ۳٪ درصد رشد داشته است. در حالی که شاخص مذکور در کشورهای مشابه در آسیا یا امریکای لاتین حدود ۱۳٪ تا ۱۵٪ درصد رشد یافته است. بعنوان مثال در سال ۱۹۷۰ تنها حدود ۱۰ درصد فقرای جهان آفریقایی بوده‌اند ولی در سال ۲۰۰۰ رقم مذکور به حدود ۵۰ درصد بالغ گردیده است. همچنین طی سالهای ۲۰۰۰-۱۹۷۴ متوسط درآمد مردم آفریقا حدود ۲۰۰ دلار کاهش یافته است. در همین حال آفریقائیه‌ها در جذب سرمایه خارجی توفیقی نداشته‌اند و آمار حاکی از آنست که حتی بومیهای ثروتمند آفریقا نیز تمایلی به سرمایه‌گذاری در داخل آفریقا نداشته و در حال حاضر حدود ۴۰ درصد پس‌انداز کشورهای آفریقایی زیر خط صحرا در بازارهای خارج آفریقا سرمایه‌گذاری شده‌اند. از طرفی برخی از آمارها نشانگر آنست که در فاصله سالهای ۱۹۹۶-۱۹۷۰ حدود ۱۸۷ میلیارد دلار از ۳۰ کشور مذکور به خارج از آفریقا منتقل گردیده است. در عین حال در فاصله سالهای ۲۰۰۲-۱۹۹۰ متوسط نرخ تورم سالانه در آفریقا حدود ۶۰ درصد رشد یافته و هم‌اکنون در اکثر کشورهای مذکور نرخ تورم سالانه حدود ۱۰ درصد می‌باشد. این در حالیست که همچنان مرگ و میر کودکان، بیسوادی، بیماری و

فساد مالی در کشورهای آفریقایی بیداد می‌کند و افراد تحصیل کرده و یا نیروی کار نیمه ماهر یا ماهر آفریقایی به منظور برخورداری از زندگی بهتر هر روزه در حال ترک اوطان خود در آفریقا به سوی کشورهای خارج از قاره مذکور می‌باشند. فقر و گرسنگی باعث تخریب محیط‌زیست و گسترش بیابانها و انقراض برخی از حیوانات اهلی و وحشی گردیده و دولتهای آفریقایی توان جلوگیری از چنین وضعیت و شرایطی را ندارند. ضمن اینکه پیش‌بینی می‌شود بحران اقتصادی جاری در جهان بزودی آثار مخرب خود را در آفریقا به بار خواهد آورد.

#### ب- توسعه نیافتگی آفریقا: دیدگاههای نظری

درک بهتر وضعیت عقب‌ماندگی و یا به عبارتی توسعه نیافتگی جوامع و کشورهای آفریقایی زیر خط صحرا از طریق مطالعه یافته‌های علمی صاحب‌نظران توسعه امکان‌پذیر می‌باشد. در این رابطه باید اشاره نمائیم که گرچه تاکنون تعاریف متفاوتی از مفهوم توسعه ارائه شده ولی در مجموع ارتقاء درآمد سرانه به همراه گسترش رفاه و توزیع عادلانه درآمدها و ثروتها از جمله اشتراکات تعاریف مذکور بوده که تحقق آنها بطور طبیعی تحولاتی در سطح زندگی مردم، نهادهای اجتماعی و حتی سیاستهای اقتصادی را ایجاد می‌نماید. هر چند فرآیند توسعه به صورت تدریجی، مداوم و همراه با خود اتکائی صورت می‌پذیرد. لذا فرآیند مذکور باید از مراحل پنجگانه جامعه سنتی، مرحله پیش‌خیز، مرحله جهش، بلوغ اقتصادی و مرحله مصرف انبوه عبور نموده تا نهایتاً خصوصیات توسعه یافتگی بر جامعه یا کشوری اطلاق گردد. معیارهایی که صاحب‌نظران توسعه برای جوامع توسعه‌نیافته از جمله کشورهای فقیر آفریقایی یا عموماً کشورهای زیر خط صحرا در آفریقا برمی‌شمارند عموماً عبارتند از<sup>۲۷</sup>:

- ۱- سطح پائین تولید و درآمد ملی و یا درآمد سرانه.
- ۲- عدم تداوم رشد معقول اقتصادی.
- ۳- نرخ بالای رشد جمعیت.
- ۴- نرخ بالای بیسوادی.
- ۵- نابرابری توزیع درآمد، ثروت و امکانات.
- ۶- ترکیب نامعقول تولید و مصرف محصولات کشاورزی، صنعتی و خدماتی.
- ۷- پائین بودن سرانه تسهیلات آموزشی و بهداشتی.
- ۸- درصد بالای بیکاری و یا کم کاری.

هر چند در قسمت الف از این بخش اشاراتی به آمار و ارقام بین‌المللی مؤید وجود معیارهای فوق‌الذکر در افریقای زیر خط صحرا داشتیم اما متفکرین اقتصاد سیاسی بین‌الملل و موضوع توسعه هنگام توضیح در مورد معیارهای توسعه نیافتگی در منطقه یاد شده عوامل متعددی را به شرح زیر برمی‌شمارند:

- ۱- به نظر می‌آید در بلند مدت برای اینکه افریقای زیر خط صحرا به فرایند توسعه اقتصادی موجود در اکثر نقاط دیگر جهان بپیوندد باید به جست‌وجوی جدی‌تر برای دستیابی به منابع رشد و درآمد بیرون از حیطه تولید مواد غذایی و حتی تولیدات کشاورزی و آنگاه بهره‌برداری از آنها پرداخت<sup>۲۸</sup>. در همین راستا پدیده گرسنگی نه تنها به تولید غذا و توسعه کشاورزی مربوط می‌شود بلکه به عملکرد کل اقتصاد و حتی طرز کار ساماندهی سیاسی و اجتماعی که بتوانند مستقیم یا غیرمستقیم توانایی مردم را در کسب غذا و به دست آوردن بهداشت و تغذیه تحت تأثیر قرار دهند، نیز ربط داد.

۲- نابرابری توزیع درآمد، ثروت و امکانات عمومی منجر به فساد اداری و مالی در کشورهای زیر خط صحرا در آفریقا می‌گردد. لذا کاهش شکافهای اجتماعی و اقتصادی و برقراری امنیت برای رسیدن به هدفهای توسعه اقتصادی و فراهم ساختن خدمات عمومی، استقرار نهادهای اقتصادی و پدید آوردن فرصتهای مناسب برای بهره‌گیری درست از منابع و همچنین توزیع بهتر از مهمترین وظایف دولت در کشورهای یاد شده می‌باشد.<sup>۲۹</sup>

۳- از دیگر خصوصیات توسعه نیافتگی در کشورهای افریقایی زیر خط صحرا ضعف بازارهای محلی و داخلی و مشکلات مربوط به انتقال کالا از شهرهای افریقا به بنادر و آبهای آزاد به منظور صادرات به بازارهای خارجی و بین‌المللی می‌باشد. هر چند این موضوع ناشی از کمبود سرمایه برای ایجاد زیرساختها از یکسو و از سوی دیگر عدم وجود بخش خصوصی قدرتمند در کشورهای مذکور می‌باشد، اما بی‌ثباتی سیاسی باعث عدم ورود سرمایه خارجی به منطقه یاد شده گردیده و ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش داده است.<sup>۳۰</sup> لذا توسعه در شرایط عدم دسترسی به تکنولوژی، نیروی کار ماهر، سرمایه، ثبات و امنیت تاکنون به تأخیر افتاده است.

۴- عده‌ای از صاحب‌نظران توسعه بر این عقیده‌اند که کشورهای افریقایی کمتر توسعه یافته به دلیل شرایط مزمن عقب‌ماندگی یا دخالت عظیم دولت در متابولیسم اجتماعی-اقتصادی و یا مجموعه‌ای از این دو تحت نوعی نظام سرمایه‌ای دورگه حیات می‌گذرانند.<sup>۳۱</sup> چنین وضعیتی منجر به بی‌برنامگی در دولتهای افریقایی شده و لذا امکان تأثیرگذاری، جهت‌دهی و کنترل متغیرهای اصلی همچون تولید ناخالص داخلی، مصرف، سرمایه‌گذاری و غیره در طول زمان و بر طبق اهداف از پیش تعیین شده وجود ندارد. در حالی که برای دستیابی به توسعه پایدار ضروریست جایگاه

بخش‌های دولتی و خصوصی، چگونگی حضور و مشارکت مردمی، توجه به بخشهای استراتژیک، تعیین راهکارهای لازم و عملیاتی، مشخص کردن پلهای ارتباطی میان عناصر اصلی و فرعی، واقع‌بینی و دوری از هر گونه بلند پروازی در چارچوب یک برنامه توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تدوین و تنظیم گردد.<sup>۳۲</sup> در غیر این صورت حرکت مجریان و مسئولان حکومتی در مسیر نامعین و نامعلوم توسعه پایداری را برای کشور فراهم نخواهد آورد. این در حالیست که برنامه‌های کوتاه، میان و بلند مدت نیز تنها در چارچوب کلی استراتژی توسعه کشور قابلیت توفیق خواهند یافت.

### بخش سوم: اعطای کمک به آفریقا در چارچوب سیاست بین‌الملل

در بخشهای قبلی این نوشتار ضمن اشاره به میزان کمکهای خارجی و بین‌المللی و نمونه‌هایی از آنها که طی چند دهه اخیر به کشورهای فقیر یا کمتر توسعه یافته از آفریقایی اعطا گردیده، توضیحاتی در مورد عدم تأثیر قابل ملاحظه کمکها در ایجاد رشد و توسعه در کشورهای مذکور ارائه نمودیم. اما به راستی چرا کمکهای تریلیون دلاری به این منطقه کارائی لازم را تاکنون نداشته و همچنان مردم محروم آفریقا در شرایط نابسامان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی بسر می‌برند؟ به نظر می‌آید برای یافتن پاسخ قانع‌کننده برای سؤال مطروحه ضروریست توضیحاتی در مورد ماهیت کمک‌کنندگان، روشهای اعطای کمک و نهایتاً انگیزه‌ها و اهداف کمک‌کنندگان ارائه نمائیم. شواهد حاکی از آنست که همزمان با شروع برنامه‌ریزی برای اعطای کمک به آفریقا، منتقدان موضوع نیز دست بکار شده و ابعاد مختلف آنرا مورد بحث و بررسی



نقادانه قرار داده‌اند. بهرحال آشنایی با روشها و انگیزه‌های کمک‌کنندگان ارتباط متقابل اعطای کمک و سیاست بین‌الملل را روشن و آشکار خواهد ساخت.

### الف- ماهیت کمک‌کنندگان

کمک‌های اعطایی به آفریقا تاکنون یا در چارچوب روابط دوجانبه میان یک کشور آفریقایی و یک کشور خارج از قاره آفریقا صورت گرفته، یا کشورهای آفریقایی در روابط بین‌المللی خود با نهادها و سازمانهای جهانی و فرامنطقه‌ای موفق به کسب کمکها شده‌اند و یا سازمانهای خصوصی و غیردولتی، خیریه‌ها و مؤسسات غیرانتفاعی اقدام به اعطای کمک به کشورهای آفریقایی نموده‌اند. در شرایطی که کمک بصورت یا در چارچوب روابط دوجانبه اعطا گردیده ممکن است مستقیماً دولتها وارد عمل گردیده و یا ممکن است از انسهای کمکرسانی وابسته به دولت وظیفه توافقات مربوطه یا اجرای آنها را از طرف دولتهای متبوع خود به عهده گرفته باشند. اما در صورتی که دولتها کمک‌های اعطایی خود را در اختیار سازمانها و نهادهای بین‌المللی قرار دهند تا به صورت چند جانبه و در چارچوب توافقی بین‌المللی میان کمک‌کنندگان و دریافت‌کنندگان کمک انجام پذیرد و یا همینطور افراد حقیقی اگر کمکی را در اختیار سازمانها و نهادهای بین‌المللی قرار دهند تا به مقصدی خاص ارسال گردد، آنگاه این‌گونه کمکها ماهیتی چند جانبه و بین‌المللی پیدا می‌نمایند. در کنار کمکهای دوجانبه یا چند جانبه همواره افراد حقوقی غیردولتی نیز وجود داشته‌اند که بصورت تخصصی یا عمومی عملیات تهیه یا اعطای کمک را در آفریقا انجام داده‌اند. این در حالیست که ممکن است منابع تأمین کمک اینگونه سازمانهای خصوصی باز هم کمکهای دولتی باشد که بنا به مصالحی به صورت غیرمستقیم قرار است اعطا شوند. بهرحال علی‌رغم متفاوت بودن

ماهیت کمک‌کنندگان ممکن است در عمل شاهد روش یا انگیزه مشترک در انجام فعالیت‌های آن باشیم.

### ب- روش‌های اعطای کمک

اعطای کمک دو یا چند جانبه دولتی یا غیردولتی ممکن است به روشها، اشکال یا انواع مختلف صورت پذیرد. لذا تحلیلگران موضوع هر یک بنا به توجهات مختلف طبقه‌بندی و دسته‌بندی خاص خود را ارائه می‌نمایند که به‌رحال بیان مجموعه آن‌ها به این صورت می‌باشد: رسمی یا غیررسمی، مستقیم یا غیرمستقیم، نقدی یا غیرنقدی، آشکار یا محرمانه، یک مرحله یا چند مرحله‌ای، مشروط یا غیرمشروط، ترجیحی یا عادی، تک‌موردی یا چند‌موردی، اضطراری یا غیرفوری، حوادث طبیعی یا جنگها و درگیریها، مشاوره‌ای یا فنی-حرفه‌ای، کوتاه-مدت یا بلندمدت، بلاعوض یا به شرط بازپرداخت، توسعه‌ای اجتماعی یا اقتصادی، نیروی کار ماهر یا متخصص، فرصت‌های مطالعاتی یا آموزشی، پروژه‌ای یا برنامه‌ای، حمایت از بودجه ملی، تأسیس یا حفظ و نگهداری و غیره.

در تشریح برخی از روشها یا اشکال فوق‌الذکر باید گفت فی‌المثل کمک رسمی توسعه‌ای (Official Development Assistance) کمکی است که رسماً طی قراردادی میان کمک‌کننده و گیرنده اعطا می‌شود و دارای شرایط آسان و ترجیحی می‌باشد. کمکهای نقدی یا مالی (Financial Aid) ممکن است به صورت وام، بلاعوض یا بخشش بدهی انجام پذیرد. در حالی که کمک مشروط (Tied Aid) تحت شرایط خاص همچون خرید کالا از کشور کمک‌کننده اعطا می‌شود کمک غیرمشروط (Untied Aid) بدون در نظر گرفتن هر گونه شرطی اعطا می‌گردد و لذا کمک‌گیرنده مختار است به هر صورتی

که خود صلاح می‌داند از آن استفاده نماید. کمک‌های اضطراری یا انساندوستانه (Humanitarian or Emergency Aid) عموماً در هنگام بروز حوادث طبیعی و غیرمترقبه اختصاص داده می‌شود که ممکن است مستقیماً در اختیار افراد مصیبت‌زده و یا دولت‌های آنها قرار گیرد و یا بطور غیرمستقیم در اختیار آژانس‌های بین‌المللی کمک‌رسان قرار داده می‌شود. کمک‌های فنی (Technical Assistance) اصولاً به صورت ارائه خدمات آموزشی فنی و حرفه‌ای یا توصیه‌های مشاوره‌ای انجام می‌گیرد. کمک پروژه‌ای (Project Aid) به منظور انجام پروژه‌های خاص و کمک برنامه‌ریزی شده (Programme Aid) اختصاص به بخش خاصی در کشور کمک‌گیرنده مثلاً بخش بهداشت یا آموزش می‌یابد. در صورتی که کمک پروژه‌ای و کمک برنامه‌ریزی شده بصورت توأمان اعطا گردد آنگاه کمک چند بخشی (Sectorwid Approaches) خوانده می‌شود. حمایت از بودجه ملی (Budget Support) نوع خاصی از کمک برنامه‌ریزی شده می‌باشد که طبق قراردادی مستقیماً به سیستم مالی و بودجه ملی کشور گیرنده کمک تزریق می‌گردد. کمک به افراد آواره یا بی‌خانمان که در اثر جنگ میان دو کشور یا جنگ داخلی در یک کشور بوجود آمده تحت عنوان اضطراری یا بشر دوستانه اعطا می‌شود. ضمن اینکه کمک‌های اعطایی توسط سازمان‌های غیردولتی، غیرانتفاعی یا خیریه نیز می‌تواند به اشکالی همچون توزیع مایحتاج اولیه، زندگی، مواد غذایی، آب آشامیدنی، احداث خانه، مدرسه یا بیمارستان، کمک مالی، دارو و تجهیزات پزشکی و غیره صورت پذیرد.

### ج - انگیزه‌های اعطای کمک

حال پس از تشریح ماهیت کمک کنندگان و روشهای اعطای کمک، نوبت به بررسی انگیزه‌ها و اهداف کمک‌کنندگان می‌رسد. مروری بر آراء و نظرات تحلیلگران و منتقدین در این زمینه نشان می‌دهد که انگیزه‌های سیاسی-استراتژیک، منافع و امنیت ملی و همچنین اهداف اقتصادی کمک‌کنندگان و متحدان آنها در کشورهای فقیر و کمتر توسعه یافته آفریقا، دلیل عمده عدم کارایی و یا عدم تأثیرگذاری کمکهای اعطایی اینگونه کشورها بوده است. لذا بسیاری از محققین معتقدند ضروریست برای ارزیابی تأثیرات کمکهای اعطایی بر روند رشد و توسعه در کشورهای آفریقایی پاسخ لازم برای پنج سؤال اصلی تهیه شود. سؤالات پنجگانه مذکور عبارتند از<sup>۲۳</sup>:

- ۱- چرا اصولاً کمک کنندگان اقدام به اعطای کمک می‌نمایند؟
- ۲- کمکها به چه اشکالی (روشهایی) اعطا می‌گردند؟
- ۳- کمک کنندگان در حقیقت از چه چیزی حمایت می‌نمایند؟
- ۴- کمک کنندگان تحت چه شرایطی حاضر به اعطای کمک می‌باشند؟
- ۵- خصوصیات دریافت کنندگان کمک چیست؟

در پاسخ به سؤال اول که در واقع پرسش درباره انگیزه‌ها و اهداف کمک‌کنندگان می‌باشد (که در این قسمت موضوع اصلی مورد نظر نگارنده نیز می‌باشد) دلایل و عوامل متعدد و متنوعی تاکنون عنوان شده‌اند که در ذیل مفصلاً به بیان آنها می‌پردازیم:

- ۱- از سالهای اولیه دهه ۱۹۶۰ که شاهد استقلال سیاسی کشورهای آفریقایی زیر صحرا می‌باشیم همزمان جریان کمکهای خارجی و بین‌المللی به این گونه کشورها نیز آغاز می‌گردد. این در حالیست که در سطح بین‌المللی، جنگ سرد میان دو ابرقدرت شرق و غرب در جریان بوده و به نوعی به سالهای اوج خود نزدیک می‌شود. در چنین

شرایطی از جمله صحنه‌های رقابت میان دو ابرقدرت منطقه آفریقا می‌باشد. کشورهای آفریقایی که در ظاهر مستقل گردیده‌اند به دلیل ضعف اقتصادی از یکسو و از سوی دیگر به دلیل ضعف سیاسی حاکمان جدید، وابستگی شدیدی به یکی از دو قطب شرق و غرب پیدا کرده و عملاً به صورت متحد منطقه‌ای ابرقدرتها ظاهر می‌شوند. بدیهی است در شرایط پیش آمده انگیزه اصلی کمک اعطایی به متحدان منطقه‌ای حفظ موجودیت آنها می‌باشد. اینگونه کمکها که جنبه استراتژیک و امنیتی دارند بعضاً به شکل محرمانه و مخفی و در قالب ارسال تسلیحات و تجهیزات نظامی صورت می‌گیرد.<sup>۳۴</sup> البته ممکن است چنین کمکهایی به گروههای شورشی در متحدان قطب رقیب نیز صورت گرفته و موجبات تقویت آنها را در مقابل حاکمان کشورهای هدف فراهم سازد. لذا در اعطای اینگونه کمکها اصولاً منافع مردم فقیر مدنظر کمک کنندگان نبوده و عقب‌ماندگی یا توسعه نیافتگی علیرغم کسب استقلال ظاهری در آفریقا تداوم یافت. ناگفته نماند در چنین شرایطی به دلیل فساد اداری و مالی در کشورهای وابسته به قطب شرق یا غرب، کمکهای نقدی اعطایی تنها به جیب حاکمان دیکتاتور و یا سران گروههای شورشی رفته و چیزی عاید مردم محروم نگردیده است. ضمن اینکه تداوم جنگهای میان کشورهای آفریقایی و یا جنگهای داخلی و شورشهای محلی زمینه سرمایه‌گذاری در این گونه کشورها را از میان برده و امکان دستیابی به هر گونه رشد و توسعه‌ای را تنها به نفع بیگانگان زیر سؤال قرار داده است. جنگ و ناامنی در آفریقای زیر خط صحرا به همراه تبعات منفی و اثرات مخرب آن بر روند رشد و توسعه در این منطقه پس از پایان جنگ سرد نیز ادامه یافته، به طوری که سازمان ملل متحد در شرایط جدید نیز تهدیدات امنیتی در آفریقا را به شرح زیر برشمرده است:<sup>۳۵</sup>

- ۱- جنگ میان کشورها
- ۲- جنگ و شورش داخلی
- ۳- فقر، بیماری و خطرات محیط‌زیستی
- ۴- گسترش و شیوع تسلیحات بیولوژیک، شیمیایی، هسته‌ای و رادیواکتیویته.
- ۵- تروریسم.
- ۶- جنایات سازمان‌یافته فرا ملی.

لذا شرایط در هزاره سوم میلادی از نقطه نظر قطب‌بندی‌های سیاست بین‌الملل تغییر کرده است اما حضور رقبای جدید در صحنه رقابت و موازنه نوین ژئوپلیتیک در افریقا همچنان اعطای کمک به کشورهای فقیر و کمتر توسعه یافته را توأم با انگیزه‌های سیاسی-استراتژیک نموده است. به طوری که چین و هند بعنوان کمک‌کنندگان جدید به افریقا سعی کرده‌اند با روش‌های دیگری که متفاوت از روش‌های سنتی (روش‌های امریکایی، اروپایی و ژاپنی) می‌باشد اقدام به اعطای کمک نمایند. دو کشور یاد شده کوشیده‌اند تا کمک‌های خود را در قالب حمایت از بودجه ملی کشورهای افریقایی، کمک بلاعوض، وام و تسهیلات مالی برای ایجاد زیرساختها و کارخانجات، اعطای ماشین‌آلات و تجهیزات، اعطای بورس‌های تحصیلی، ارسال کمک‌های تکنیکی، در نظر گرفتن معافیت‌های تعرفه‌ای و نهایتاً بخشش بدهی‌های افریقا تخصیص دهند.

۲- اعطای کمک به کشورهای فقیر و کمتر توسعه یافته به عنوان ابزاری در خدمت قدرت نرم و در دهه‌های اخیر مطرح بوده است. خصوصاً در دوره پس از جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای مبلغ و منادی نظام سرمایه‌داری لیبرال، برای گسترش حوزه نفوذ خود در مناطق مختلف جهان و از جمله در افریقای زیر صحرا، استفاده از قدرت سخت و ابزارهای مربوط به آن را به شکل دوره‌های قبل به مصلحت

ندانسته‌اند. کشورهای غربی به رهبری ایالات متحده آمریکا برای حفظ و تداوم نفوذ هوشمندانه خود کوشیده‌اند تا با تبلیغ ایدئولوژی و ارزش‌های نظام سرمایه‌داری (همچون شعار آزادی سیاسی و لیبرالیسم اقتصادی) زمینه را برای گزینش و پذیرشی اختیاری و انتخابی نظام مذکور توسط کشورهای آفریقایی کمتر توسعه یافته فراهم آورند. عامل و کارگزار چنین سیاستی مؤسسات و نهادهای بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بوده‌اند که بودجه‌های اختصاصی از سوی کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) و یا گروه‌های داخلی آنها مانند گروه ۷ کشور صنعتی (G7) امکان اجرای سیاستها و برنامه جدید قدرتهای اقتصادی را برای نفوذ گسترده در جهان فراهم ساخته‌اند. طراحی و اجرای برنامه اصلاحات ساختاری اقتصادی، طرح کاهش فقر و ارائه تسهیلات برای رشد اقتصادی (PRGF) و یا طرح بخشش بدیهی‌های کشورهای بسندهکار بسیار فقیر (HIPC) همگی در راستای اهداف فوق‌الذکر قابل توجیه می‌باشند. به عبارت روشنتر کمکها و مزایای طرحها و برنامه‌های یاد شده در صورتی به کشورهای آفریقایی کمتر توسعه یافته تعلق می‌گیرد که توصیه‌های نهادهای مذکور مورد پذیرش حکومت‌های آفریقایی واقع گردند و این‌گونه کشورها در رعایت الزامات مربوطه متعهد گردند. مصداق بارز چنین سیاستی در تصمیمات متخذه توسط سران کشورهای عضو گروه ۲۰ که در بیانیه پایانی اجلاس اخیر گروه در نوامبر ۲۰۰۸ در واشگتن مندرج گردیده قابل مشاهده و ملاحظه می‌باشد. در یکی از بندهای بیانیه مذکور به صراحت عنوان شده که منابع مالی و تسهیلات اعطایی صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سایر بانک‌های توسعه‌ای بین‌المللی (همچون بانک توسعه آفریقایی) در شرایط بحران اقتصادی جاری باید در اختیار کشورهای بحران‌زده و در حال توسعه که سابقه خوب در بکارگیری سیاستها و

برنامه اصلاحات داشته‌اند، قرار گیرد<sup>۳۶</sup>. شایان ذکر اینکه در کشورهایی که دولتهای آنها برای پذیرش توصیه‌ها و سیاستهای نهادهای بین‌المللی فوق‌الذکر اعلام آمادگی ننموده‌اند، عموماً در چارچوب ملاحظات مربوط به بکارگیری قدرت نرم، کمکهای اعطایی در اختیار احزاب سیاسی مخالف (اپوزیسیون) قرار گرفته تا زمینه لازم برای سرنگونی دولتهای حاکم فراهم شده و طرفداران نظام سرمایه‌داری جایگزین آنها گردند.

۳- گروهی از منتقدین و صاحب‌نظران اقتصاد سیاسی بین‌الملل معتقدند اعطای کمک به کشورهای کمتر توسعه یافته آفریقایی در واقع بخشی از سیاست کشورهای توسعه یافته همچون ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپایی به منظور تداوم رشد و توسعه در سیستم داخلی توسعه یافته‌ها می‌باشد. براساس این تحلیل سیاست حمایتگرایی اقتصادی (Economic Protectionism) اقتضاء می‌نماید تا کشورهای توسعه یافته برای حمایت و حفاظت از شرکتهای تولیدی و خدماتی خود زمینه‌های لازم توسعه و رقابت را برای آنها در بازارهای داخلی و خارجی فراهم نمایند. از جمله روشهای نیل به چنین هدفی ایجاد وابستگی در کشورهای کمتر توسعه یافته به بازارهای توسعه یافته می‌باشد. اما از آنجا که کشورهایی همچون کشورهای زیر خط صحرا در آفریقا توان مالی لازم برای قرار گرفتن در حلقه وابستگی را ندارند، کشورهای توسعه یافته با اعطای کمک نقدی و غیرنقدی به آنها شرایط و زمینه لازم در این راستا را فراهم می‌سازند. لذا به عنوان مثال اعطای کمک غذایی به مردم فقیر و گرسنه در آفریقا در واقع کمک به کشاورزی در کشورهای توسعه یافته می‌باشد و از این منظر نقش این کمکها در توسعه کشاورزی در آفریقا بی‌معناست. بخش اعظم کمکهای مشروط، کمکهای پروژه‌ای و برنامه‌ای نیز در واقع با همین هدف صورت می‌گیرند. به عبارت دیگر مشروط نمودن کمکهای اعطایی به خرید از بازار کشورهای کمک‌کننده و یا انجام پروژه‌ها توسط



شرکتهای خدمات مهندسی کشورهای تأمین کننده منابع مالی آنها به معنای حمایت از شرکتها در کشورهای توسعه یافته و ایجاد بازار کار و اشتغال برای آنها در خارج از مرزهای ملی می‌باشد. این در حالیست که کشورهای دریافت کننده کمک به این طریق تا سالها به منظور برخورداری از خدمات پس از فروش کالاها و یا مدیریت پروژهها و حفظ و نگهداری تجهیزات یا ماشین آلات بکار گرفته شده در آنها وابسته به کشور کمک کننده می‌گردند. لذا حلقه‌های بعدی زنجیره اعطای کمک به نوعی اعطای مقادیر جدید کمک برای به نتیجه رساندن کمکهای قبلی که همانا هدف اصلی از انجام آنها سیاست حمایتگرایی اقتصادی بوده است، می‌باشد. ضمن اینکه نرخ رشد بالای جمعیت در آفریقا حاکی از آنست که در طول قرن جاری اندازه بازار مصرف آفریقا تقریباً دو برابر خواهد شد. با علم به این شاخص کشورهای توسعه یافته انگیزه مضاعف برای حضور در بازار آفریقا پیدا نموده و در حالی که خود با نرخهای رشد صفر یا منفی در داخل کشورهایشان مواجه می‌باشند، تداوم حیات فعالان اقتصادی آنها منوط به داشتن بازارهای بزرگ مصرف در مناطقی همچون آفریقا می‌باشد.

۴- اعطای کمک در چارچوب روابط میان شمال و جنوب به طور سنتی روشی برای تحقق بخشیدن به استراتژی تقسیم کار بین‌المللی می‌باشد. بدیهی است در قالب اجزای این استراتژی نقش کشورهای واقع در جنوب (هم چون کشورهای آفریقایی- زیر خط صحرا که برخوردار از معادن و منابع سرشار طبیعی می‌باشند) تأمین مواد خام و اولیه می‌باشد.<sup>۳۷</sup> متقابلاً جایگاه کشورهای واقع در شمال در تقسیم کار بین‌المللی تولید کالاهای ساخته شده خصوصاً کالاهای مصرفی جهت عرضه در بازارهای جنوب می‌باشد. اعطای کمک به کشورهای آفریقایی فقیر و کمتر توسعه یافته در بسیاری از موارد به منظور تضمین و اطمینان یافتن از جریان صادرات مواد خام و اولیه به کشورهای

کمک‌کننده صورت می‌گیرد. در این میان دسترسی شمال به منابع انرژی و کانی‌های فلزی و غیرفلزی آفریقا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. لذا به عنوان مثال تهیه نقشه‌های مربوط به پراکندگی منابع و معادن در آفریقا به هزینه کشورهای توسعه یافته شمال و تحت پوشش اعطای کمک‌های توسعه‌ای از جمله روش‌های نیل به مقصود بوده و می‌باشند. در این راستا حتی پرداخت رشوه به مقامات حکومتی و محلی (مانند سران قبایل آفریقایی) از دیرباز در آفریقا مرسوم بوده و از این منظر همکاری با حاکمان دیکتاتور یا غیردموکرات در آفریقا همواره مشروعیت داشته است. بهر حال هنگامی که بحث رقابت میان قدرتهای اقتصادی در جهان پیرامون دستیابی و دسترسی به منابع و معادن آفریقا مطرح می‌گردد آن گاه بهره‌گیری از هر روشی برای سبقت گرفتن بر رقبای مشروعیت یافته و در این راستا اعطای کمک به اشکال یا بهانه‌های مختلف کارایی پیدا می‌کند.

۵- اعطای کمک‌های فرهنگی و اجتماعی هم‌چون کمک برای مبارزه با بیماری‌ها، فقر، گرسنگی، بی‌سوادی و غیره غالباً در راستای جذب افکار عمومی آفریقا و پاکسازی اذهان آفریقایی‌ها از سابقه منفی حضور استعمارگران در سرزمین‌های ایشان صورت می‌گیرد. تصویر سیاه و خشن از رفتار استعمارگران همیشه به صورت مانعی در قبال گسترش حوزه نفوذ آن‌ها در دوره پس از استقلال کشورهای آفریقایی و در نزد افکار عمومی و مردم محروم این قاره مطرح بوده است. لذا استعمارگران جدید به منظور غلبه بر این مشکل یا رفع مانع یاد شده کوشیده‌اند تا با اعطای کمک‌های فرهنگی و اجتماعی به نوعی از مردم آفریقا دلجویی نموده و البته در کنار آن اهداف دیگری را نیز پیگیری نمایند. از جمله اهداف دیگر در این راستا تحمیل ارزشهای خودی به جوامع آفریقایی، جلوگیری از نفوذ فرهنگی و اجتماعی رقبای فراهم نمودن زمینه برای فرار

مفزاها از آفریقا و همچنین جذب نیروی کار ارزان آفریقایی برای اشتغال در امور پست یا پرخطر در بازارهای کشورهای کمک‌کننده می‌باشند. لذا در چنین مواردی نقش بنیادها، مؤسسات و بنگاه‌های خیریه و کمک‌رسان اهمیت یافته و بسیاری از کمک‌های دولتی تحت پوشش فعالیت این‌گونه سازمان‌ها و نهادها در آفریقا توزیع می‌گردد.

گزینش نخبگان از طریق اعطای بورس‌های تحصیلی به آفریقائی‌ها از جمله روش‌هایی است که نهادهای آموزشی دولتی یا غیردولتی کشورهای کمک‌کننده بکار می‌گیرند تا امکان دستیابی به اهداف فرهنگی و اجتماعی آن‌ها در آفریقا تسهیل و تضمین گردد. این در حالیست که آفریقائیها در شرایط عادی توانایی پرداخت هزینه‌های آموزشی، بهداشتی و غیره را نداشته و برخورداری از خدمات ارزان یا رایگان برای آنها دارای اهمیت فوق‌العاده می‌باشد. به طور مثال باید گفت به دلیل عدم توانایی در پرداخت هزینه‌های آموزشی امروزه شاهدیم که در آفریقای زیر خط صحرا کمتر از ۶۰ درصد از بزرگسالان سواد خواندن و نوشتن دارند، حدود ۴۰ میلیون کودک در سن دبستان به مدرسه نرفته‌اند و در نیمی از کشورهای منطقه مذکور کمتر از ۶۰ درصد کودکانی که به مدرسه می‌روند تحصیلات ابتدایی را تمام می‌کنند.

#### د- نتیجه‌گیری و نقد و ارزیابی اثرات کمک‌ها

همان‌گونه که در مطالب پیشین آمد تردیدی وجود ندارد که کمک‌های اعطایی در جامعه جهانی عموماً از قواعد حاکم بر سیاست بین‌الملل پیروی نموده و به عبارتی کمک یا اعطای کمک همواره بخشی از روابط میان کشورها و دولت‌ها بوده است. اما نکته مورد اختلاف میان دیدگاه‌ها در این زمینه بحث کارایی و اثرات مثبت یا منفی کمک‌ها در توسعه جوامع دریافت‌کننده می‌باشد. نقدها و ارزیابی‌های انجام گرفته در این راستا

حاکمی از دو نوع دیدگاه خوشبینانه و بدبینانه و یا وجود دو دیدگاه طرفدار و مخالف اثرات مثبت اعطای کمک می‌باشد. هر چند به لحاظ نظری همگان بر این باورند که کمک‌ها باید منجر به ایجاد توسعه پایدار در کشورهای کمک‌گیرنده از طریق افزایش سرمایه‌گذاری، تولید، اشتغال، درآمد، پس‌انداز، قدرت خرید و ذخایر ارزی گردد، اما حداقل در بحث اعطای کمک به آفریقای زیر خط صحرا که عموماً ۲۵ تا ۳۰ درصد کمک‌های جهانی را جذب کرده، مواجه با تردیدهای اساسی در مورد وجود توسعه پایدار می‌باشیم.

بهرحال کسانی که از اعطای کمک و اثرات مثبت آن در روند توسعه آفریقا طرفداری می‌کنند معتقدند اولاً در نقاطی از آفریقا که شاهد درجه‌ای از رشد و توسعه می‌باشیم باید اثرات مثبت کمک‌ها را مشاهده نمود، ثانیاً کمک‌ها در بسیاری از موارد تنها در راستای سیاست خارجی کشور کمک‌کننده صورت نگرفته بلکه بنا به درخواست کشورهای گیرنده کمک انجام شده است و ثالثاً اگر در مواردی شاهد عدم کارایی کمک‌ها می‌باشیم علت و دلیل آنرا باید در ضعف عملکرد گیرندگان کمک جستجو نمود. در مقابل مخالفان و منتقدین موضوع معتقدند کمک‌ها نه تنها باعث ایجاد توسعه در کشورهای آفریقایی نگردیده‌اند بلکه از آنجا که با انگیزه‌های صادقانه و خیرخواهانه صورت نگرفته‌اند باعث تقویت حاکمان غیر دموکراتیک که در راستای اهداف سیاست خارجی کمک‌کنندگان گام برداشته‌اند گردیده، نخبگان سیاسی را ثروتمندتر ساخته، جامعه گیرنده کمک را به مصرف بیشتر و نه تولید بیشتر تشویق نموده و روحیه یا انگیزه انجام اصلاحات اقتصادی را در کشورهای گیرنده سرکوب کرده‌اند.<sup>۳۸</sup>

با این دیدگاه بدبینانه منتقدین می‌گویند تاکنون انتقادات فقط باعث اثرات منفی مضاعفی شده که نمونه بارز آن مداخله بیشتر کمک‌کنندگان در امور داخلی کمک

گیرندگان و نقض حاکمیت و استقلال سیاسی و اقتصادی آن‌ها به بهانه لزوم و ضرورت نظارت مستقیم بر چگونگی مصرف کمک‌ها در آفریقا (به عنوان مثال) می‌باشد حضور مداوم نمایندگان صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و اعطای کمک به روش تأمین مالی بودجه ملی کشورهای آفریقایی زیر خط صحرا مصداق واقعی چنین وضعیتی می‌باشد. لذا برخی از منتقدین معتقدند یکی از عوامل مهم اثرگذار بر مهاجرت آنبوه و پیوسته روستائیان به شهرها گذشته از بی‌زمین بودن یا زیر فشار بودن برای واگذاری زمین، ناتوانی کشاورزان کوچک و خرده پا از تأمین زندگی است. زندگی بویژه از زمانی که کشورهایی چون کشورهای آفریقایی سیاستهای نئولیبرالی سفارش یا مدیریت شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی یا حتی برخی از سازمان‌های غیردولتی فعال در این کشورها را اجرا کرده‌اند سخت‌تر شده است.<sup>۲۹</sup> پیتروئیس با مطالعه وضعیت شاخص توسعه انسانی در ۱۲ کشور آفریقایی زیر خط صحرا که دارای حکومت‌های دموکراتیک می‌باشند معتقد است که طی دوره ۱۵ ساله ۲۰۰۵-۱۹۹۰ تنها به طور متوسط ۲٪ درصد افزایش در شاخص مذکور (که نشانگر وضعیت رفاه عمومی می‌باشد) رخ داده و در ۱۲ کشور دیگر آفریقای زیر خط صحرا که دارای حکومتی غیر دموکراتیک طی دوره مذکور بوده‌اند شاخص مذکور به طور متوسط ۲٪ رشد نموده است. لذا وی نتیجه می‌گیرد که نه تنها رشد و توسعه در کشورهای یاد شده به طور واقعی اتفاق نیفتاده بلکه در این راستا تفاوتی نیز میان نوع حکومت‌ها نبوده است و دموکراسی مورد ادعای کمک‌کنندگان تأثیری در روند رشد و توسعه آفریقانیها نداشته است.<sup>۳۰</sup>

گروهی دیگر از صاحب‌نظران در پاسخ به این سؤال که آیا "پول مشکلات توسعه در

آفریقا را حل خواهد کرد؟" اظهار داشته‌اند:<sup>۳۱</sup>

۱- تا زمانی که کشمکش‌های خونین، حکومت‌های نالایق، دخالت‌های خارجی، عدم استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در آفریقا وجود دارد کمک و پول درد مردم منطقه را درمان نمی‌کند. چرا که هر چند سال‌ها از استقلال کشورهای آفریقایی می‌گذرد و ملاحظات مربوط به جنگ سرد خاتمه یافته ولی هنوز مردم آفریقا دست به گریبان تأسیس دولت-ملت یا حکومت‌های ملی هستند. ملت‌های آفریقایی با مرزهای مصنوعی (استعماری) تکه تکه شده‌اند لذا هیچ پولی نمی‌تواند عدم اعتماد میان مردم و دولت‌ها را بازسازی نماید.

۲- مسئله اساسی در آفریقا هیچوقت پول نبوده بلکه عدم توانایی در بکار انداختن ذهن و فکر آفریقایی‌ها بوده است. لذا کلید حل فقر و توسعه در آفریقا آنست که ۵۰ درصد جمعیت زیر ۲۰ سال آفریقا را به گونه‌ای تفکرشان را تغییر دهیم که باعث تغییر مشکل آفریقا و تبدیل آن به فرصت شوند. با تمرکز بر کار آفرینی می‌توان دو بیست میلیون انسان گرسنه آفریقایی را سیر کرد و پانصد میلیون نفر انسان آفریقایی در معرض بیماری مالاریا را نجات داد.

۳- کمک و پول به تنهایی نمی‌تواند مشکلات آفریقا را حل کند. چیزی که به جای آن مورد نیاز است کارآفرینان سیاسی، اجتماعی و تجاری می‌باشند که در این زمینه‌ها احساس مسئولیت نمایند. برای تسهیل فرآیند توسعه آفریقا کارآفرینی آزادانه بخش خصوصی تنها وسیله ممکن به منظور فرار از فقر است.

۴- عموم کمک کنندگان به آفریقا به دنبال تغییر سیاست‌های پولی، مالی، تجاری، کار و سرمایه‌گذاری به نفع خود در آفریقا در مقابل اعطای کمک‌هایشان می‌باشند. در صورتی که کمک باید در جهت افزایش ظرفیت‌های آفریقا برای پیوستن به شبکه دانش جهانی و ایجاد رفاه و سرمایه‌گذاری در آفریقا شود. لذا کمک به بخش خصوصی آفریقا

باعث توسعه خواهد شد. توسعه از طریق تولید، سرمایه‌گذاری، تجارت با خارج، اشتغال و ایجاد ثروت ممکن می‌باشد. این در حالیست که ۴۰ درصد آفریقایی‌ها در شرایط محصور در خشکی زندگی می‌کنند و از دسترسی به آب‌های آزاد دورند. کمک به آفریقا باید ورود آفریقایی‌ها به تجارت جهانی را تسهیل نماید. مذاکرات تجارت جهانی در دوحه هنوز به نتیجه نرسیده و منافع آفریقایی‌ها هنوز تأمین نشده است.

به عنوان نتیجه‌گیری شایسته است یادآور شویم که امروز در آفریقا صداهایی شنیده می‌شود که می‌گویند کمک برای آفریقا همچون بیماری ایدز می‌باشد (Aid is AIDS) و ما آفریقایی‌ها به آن نیاز نداریم. ما از جامعه جهانی می‌خواهیم که درب بازارهای جهانی را بر روی کالاهای آفریقایی بگشاید و از منافع آفریقایی‌ها در سازمانی تجارت جهانی دفاع نماید.

## منابع و مأخذ

- ۱- نگاه کنید به متن سخنرانی نگارنده در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه- ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها- شماره ۲۲۰- سال بیست و دوم- فروردین ۱۳۸۷- ص ۲۴- تحت عنوان «نگاه ایران به آفریقا».

2. See: [www.un.org/Depts/dpko/dpko/dpko.shtml](http://www.un.org/Depts/dpko/dpko/dpko.shtml).
3. The Monitor- Ugandan Newspaper- July 7, 2004- p.13
4. The East African Weekly- Kampala- July 5-11, 2004- P.16
5. The Monitor – Ugandan Newspaper- July 6, 2004- p.16
6. See: [www.Africa-union.org](http://www.Africa-union.org)
7. Lindsay Alexander and others- "Regional approaches to conflict prevention in Africa"- European center for development policy management – No.4- oct, 2003- p.16
8. See: [www.Mofa.go.jp](http://www.Mofa.go.jp)

9. See: [www. America. Gov](http://www.America.Gov)
10. The Monitor- Ugandan News paper- July 1,2004- p.3  
۱۱. نگاه نکنید به سایت خبری باشگاه خبرنگاران جوان - ۸۷/۴/۲۱
12. See: [boursenegar.com/ newsdetail- fa- 850. html](http://boursenegar.com/newsdetail-fa-850.html)
13. See: [www. Mofa. Go.jp](http://www.Mofa.Go.jp)  
۱۴. نگاه کنید به سایت واحد مرکزی خبر- ۸۷/۹/۲۶
15. The New Vision- Ugandan Newspaper- July 12.2004- p.40
16. " IMF Survey: IMF Experties Helps Bloster Africa's Financial Sector" –  
See: [www. Imf.org/ external/ pubs/ ft/ survey/ so/ 2008/ polo82008A. htm](http://www.Imf.org/external/pubs/ft/survey/so/2008/polo82008A.htm)
۱۷. نگاه کنید به گزارش دولت ایالات متحده امریکا به کنگره در سال ۲۰۰۸ مربوط به دستاوردهای قانون فرصت و رشد آفریقایی در سایت: [www.ustr.gov](http://www.ustr.gov)
18. See: [boursenegar. Com/ newsdetail- Fa- 850. html](http://boursenegar.Com/newsdetail-Fa-850.html)
19. The Monitor- Ugandan Newspaper – July 13/2004- p.15
20. See: [www. Agriculturait. Czu. Cz](http://www.Agriculturait.Czu.Cz)
21. Y.K. Museveni- speech in TICAD conference"- Tokyo- 29<sup>th</sup>, sep/ 2003- p.6
22. See. [www. Mofa. go.jp](http://www.Mofa.go.jp)
23. See: [en. Wikipedia. Org/ wiki/ AFDB](http://en.Wikipedia.Org/wiki/AFDB)  
۲۴. نگاه کنید به بیانیه نهایی اجلاس وزرای دارائی عضو گروه ۸ در تاریخ ژوئن ۲۰۰۸  
۲۵. نگاه کنید به سایت دایره‌المعارف wikipedia و موضوع اقتصاد آفریقا  
۲۶. عموم آمار ذکر شده در این قسمت از منابع آماری نهادهای بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی، برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) و غیره اتخاذ شده‌اند که آدرس برخی از سایتهای اینترنتی آنها عبارتند از:
- [www.imf.org](http://www.imf.org)
  - [www. Worldbank.org](http://www.Worldbank.org)
  - [www.wto.org](http://www.wto.org)
  - [www. undp.org](http://www.undp.org)
  - [comtrade.un.org](http://comtrade.un.org)



۲۷. یداله دادگر و تیمور رحمانی، مبانی و اصول علم اقتصاد، مؤسسه بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲، ص ۲۸۳
۲۸. آمارتیاسن، توسعه و آزادی، ترجمه حسن فشارکی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۱۰
۲۹. زهرا علمی و علی صیاندزاده، «فساد، اندازه دولت و درجه باز بودن اقتصاد»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، مؤسسه اطلاعات، تهران، سال ۲۳، شماره اول و دوم، مهر و آبان ۱۳۸۷، ص ۲۵۶.
30. "Economy of Africa" – See: [www.Wikipedia.Com](http://www.Wikipedia.Com)
۳۱. ایستوان فراروش، سوسیالیسم یا بربریت، ترجمه مرتضی محیط، نشر اختران، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۲۶
۳۲. یداله دادگر و تیمور رحمانی، پیشین، ص ۳۷۹
33. Dorothy McCormick: China and India as Africa's New Donors: The Impact of Aid on Development" – Review of African Political Economy – No.115- 2008- p.78,83
۳۴. جان کنت گالبرایت، فرهنگ رضایت‌طلبی، ترجمه سعید ساری اصلانی، نشر نی، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۵۵
35. Paul D.williams and J.Haacke-"Security Culture, Transnational Challenges and the Economic Community of west African States"- Journal of Contemporary African Studies- Vol.26- No.2- April 2008- p.120
36. "Declaration of the Summit on Financial Markets and the World Economy" – See: [www.Whitehouse.gov/news/releases/2008/](http://www.Whitehouse.gov/news/releases/2008/)
۳۷. راجانی کانت، الگوهای نظی در اقتصاد توسعه، ترجمه غلامرضا آزاد، نشر دیدار، تهران، ۱۳۷۴، ص ۲۷۰
۳۸. همایون الهی، کمک خارجی و توسعه نیافتگی، نشر قومس، تهران، ۱۳۸۲، ص ۵۶
۳۹. فردمگ داف، "بحران جهانی غذا: علتها و راهکارها: - ترجمه علی دینی، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال ۲۳، شماره اول و دوم، مهر و آبان ۱۳۸۷، ص ۲۶۴
40. Peter Lewis- "Growth without Prosperity in Africa" Journal of Democracy- vol.19, No.4, Oct, 2008, p.99
۴۱. «آیا پول مشکلات توسعه را حل خواهد کرد؟»، ترجمه صادق الحسینی و یونس احمدی، روزنامه دنیای اقتصاد، سال هفتم، شماره ۱۷۴۰، ۸۷/۱۱/۲۹، ص ۲۸ و ۲۹.



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی